



مسعود پزشکیان با اکثریت آرا منتخب مردم پرای ریاست جمهوری شد

تمهائیمان نمی گذارم، تمهائیم نگذارید

صفحه ۱

یادداشت

تفکر اثربخش و پیروزی پزشکان

محمدعلی نویدی

وقتی از تفکر اثربخش سخن می گویم در واقع از یک منظومه معرفتی - مدیریتی بحث می کنیم که هم شامل علم مستدل و متقن است و هم شامل عمل و اثر واقعی. یعنی در نظام تفکر اثربخشی به عنوان یک رویکرد و نگرش اندیشگی و فلسفی و علمی، و هم شناخت و آگاهی مستدل و مؤثر مورد عنایت و التفات است و هم تدبیر و مدیریت و اثرگذاری و کاربرد نشأت گرفته از آن تفکر مطمح نظر می باشد. بنابراین چنانچه بطور مفصل و دقیق در کتاب «تفکر اثربخش» آمده است، انسان برای هرکاری و مسئله‌ای نیازمند به اندیشیدن مؤثر و کوشیدن مفید می باشد. بدین سان، تفکر اثربخش هم به وجه و بعد معرفتی موضوعات و مشکلات و هدفمندی زندگی، اهمیت و ارزش تولید اثر، تبارشناسی تفکر و آینده اثربخش است. این مبانی و بنیان ها، با اتخاذ استراتژی های اثرگذار در ارتباط است، مثل، گفت و گو و تعامل اثربخش ، پرسش و پرسشگری و کنش‌گری نافع، نقد و نقادی مفید و مؤثر، نهادسازی در خصوص حلقه‌های اندیشه ورزی و ایجاد تعادل و آرامش در زندگی و غیره . و البته از دل و درون این تفکر و استراتژی می توان برنامه ها و راهکارهای عملی استنتاج و استخراج نمود، بعنوان مثال، با شناخت و پژوهش در مورد تاریخ ایران و ریشه های آن می توان جهت گیری ها و فراز و نشیب های ایران را بهتر فهمید و برای توسعه و پیشرفت آن برنامه‌های مؤثر تدوین نمود، یا برای داشتن جامعه پرنشاط و شاد و سرحال و پرامید می توان از کتاب «خوشبختی در دوران سختی» استفاده کرد و مباحث علمی و کاربردی دیگر.

بنابراین، شنیدن صدای عقل، آگاهی و آزادی، اهتمام به امور انسان و زندگی و فهم و درک اصالت ها و اصل ها از فرع ها و فروعات حیات بشری از جمله موضوعات مهم و اساسی یک رئیس جمهور فرهیخته و مردم مدار و وطن دوست و حقیقت خواه خواهد بود. چنین سیاست‌مداری، هرگز واقعیت ها را وارونه نمی بیند و دروغ نمی گوید ، زیرا، در عالم و گستره دروغ و دروغگویی، واقعیات و حقایق واژگونه می شوند و اثر عکس و خلاف می دهند و جامعه را به فلاکت و بدبختی می اندازند. پس، راستی و درستی مشی و مرام چنین رئیس جمهوری خواهد بود. حکمت که به معنی علم بحق و عمل بدان است « کتاب حکمت و هنر اندیشه ورزی» دقیقاً مطابق با اصل واقعیت و انسانیت است. بی تردید، صداقت، پاکدستی، فراست، شایستگی و حق مداری و مردم داری و زندگی سازی و علم باوری از خصوصیات بارز استاد دکتر پزشکیان است. مسیر تفکر اثربخش مسیر حقانیت و انسانیت و زندگی و علم و عمل و اثر است. به تصور من از جمله خصایص ممتاز دکتر پزشکیان، ایستادن در سمت مردم و منطق و برهان و حق می باشد. این مفاهیم و حقایق از بنیادهای این گونه تفکر و دیدگاه تلقی می گردد. در تفکر اثربخش یک مرحله اساسی یاری گیری های منطق به زندگی ست « کتاب یاری گیری های منطق به اندیشه ورزی را ملاحظه فرمائید.

چکیده مطلب این است که انسان وارسته و شایسته و رئیس جمهور دانا و دانشمند دکتر پزشکیان، در سمت واقعیت، انسانیت، حقیقت و عدالت و زندگی و برهان و علم ایستاده است و همین مبانی و ریشه ها با تفکر اثربخش ربط وثیق دارد و عامل و علت اصلی پیروزی ست. شاید بتوان گفت، مسیر رشد و بالندگی و شکوفایی و توسعه یک کشور و جامعه و ترقی و تعالی آدمیان از رهگذر توجه و تفتن به این حقایق و مبانی می گذرد، و بدون این سنگ بناهای واقعی و خردورزانه امکان رشد و بالندگی نخواهد بود. اندیشه و علم بدون عمل و اثر، امری ذهنی، انتزاعی و ادعایی و خیالی ای بیش نیست.

طریق بجز خدمت خلق نیست به تسبیح و سجاده و دلق نیست. تو بر تخت سلطانی خویش باش به اخلاق پاکیزه درویش باش. به صدق و ارادت میان بسته دار ز طامات و دعوی زبان بسته دار. قدم باید اندر طریقت نه دم که اصلی ندارد دم بی قدم. . بزرگان که نقد صفا داشتند چنین خرقه زیر قبا داشتند. سعدی، بوستان.

اوج بلوغ سیاسی مردم گرفتار در تأمین معیشت این بود که وعده‌هایی چون بارانه طلایی زاکانی و یک میلیارد تومان وام دیگری را جدی نگرفتند و ۲۰۰ متر زمین رایگان باقر قالیباف را عملیاتی نداشتند و سیاسی رای دادند. مهرداد خذیر در عصر ایران در این باره می نویسد که بخشی از آن را در زیر می خوانید: شعفر خود را از پیروزی دکتر مسعود پزشکیان انکار نمی‌کنم ولی این یادداشت نه برای اثبات این احساس یا بیان تمام جوانب رخداد بزرگ نیمهٔ تیر ۱۴۰۳ که در ذکر ۲۰ خطای فاحش اصول‌گرایی ایرانی در انتخابات اخیر است که شکستی تاریخی را برای آنان رقم زد به ویژه این که نام خود را به «جبههٔ انقلاب» تغییر داده بودند تا کل انقلاب ۵۷ را به نام خودشان سند بزنند و حالا مانده‌اند که اگر بخواهند آرا را مصادره کنند پزشکیان را کجا قرار دهند.

۱. مناسبات رانتی؛ طی هفتهٔ گذشته هر بار که از عباس عبدی تحلیل‌گر سیاسی دربارهٔ اصول‌گرایان پرسیده شد این جمله را گفت که «چون مناسبات آنها رانتی است و از درون این روابط خیر گذار نمی‌تواند بی‌اتان بپردازد». اما در واقع پاسخ داده بود. چون جان کلام همین است. آنها در مناسباتی رانتی سامان داده شده‌اند و به خاطر همین در هر رقابت واقعی کم می‌آورند. مسعود پزشکیان اما از هیچ رانتی برخوردار نبوده و تنها ۴ دوره و در واقع ۵ نوبت نمایندهٔ مجلس بوده با رأی مردم تبریز و یک دوره هم نایب رییس مجلس باز با رأی نمایندگان. آن هم دوره‌ای که مجلس به اراده و علاقهٔ عمومی نزدیک‌تر بوده است. قبل از آن نیز وزیر موفق‌ترین دولت بعد از انقلاب در تمام شاخص‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی بوده در دولت دوم خاتمی. در مقابل اما سعید جلیلی قرار داشت که به سایه‌نشینانی می‌باید و در هیچ رقابتی برنده نشده است. باقر قالیباف هم در هیچ یک از ادوار گذشته نتوانسته رییس جمهور شود و اگر نماینده و رییس مجلس شد به خاطر انتخابات غیر رزاقتی ۹۸ و ۱۴۰۲ بوده است. به بیان دیگر اصول‌گرایی ایرانی تنها در مسابقات بی‌رقیب برنده می‌شود و این واقعیت را فراموش کرده بودند. شاید اکنون برخی شان از تأیید صلاحیت پزشکیان خشم گین باشند چون در غیاب او یکی از خودشان ولو با شمارکت پایین رییس جمهور می‌شد!

۲. انقلاب و ضد انقلاب؛ اصول‌گرایی ایرانی در هر انتخابات یک نام تازه برای خود برمی‌گزید. اوج انحصارطلبی‌را ما وقتی نشان دادند که نام خود را «جبههٔ انقلاب» گذاشتند. انکار که دیگران ضد انقلاب‌اند. خودشان هیچ توجیهی و توضیحی در این باره نداشتند که اگر تنها آنها مصداق «جبهه انقلاب»‌اند آیا مسعود پزشکیان ضد انقلاب است؟! اگر نه آن نام چیست و اگر آری آیا اکنون یک ضد انقلاب رییس جمهور شده است؟!

احتمالا از حالا تا آخر شب حسین شریعتمداری به این موضوع می‌اندیشد که پزشکیان را چه بنامد؟ اگر انقلابی است چرا او را از جبههٔ انقلاب بیرون گذاشتند؟ اگر ضد انقلاب است چرا رأی او را به حساب کلیت ساختار می‌گذارند

و این چه ضدانقلابی است که رییس «جمهوری اسلامی ایران» شده است؟ پزشکیان، انقلابی است منتها نه از جنس انقلاب ندیده‌ها که از جنس انقلاب ۵۷ و از این رو همین عنوان «جبههٔ انقلاب» هم خطای فاحشی بود که مرتکب شدند. اگر طرف مقابل می‌گوید «جبههٔ اصلاحات» به خاطر این است که آنان را به این عنوان پذیرفته‌اند و مدعی دیگری

حال همه خوب شد

ایستگاه

یکشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۳ / ۱ محرم ۱۴۴۶ / ۷ جولای ۲۰۲۴

سال بیستم / شماره ۵۶۷۹ / صفحه ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

سیف‌الرضا شهبانی



دو انتخابات در فرانسه و انگلستان

در فاصله یک هفته دو انتخابات پارلمانی در دو کشور همسایه و تأثیر گذار اروپایی ، فرانسه و انگلستان بر گزار شد اگر چه نتیجه نهایی انتخابات فرانسه امروز یکشنبه ۱۸ تیر ۱۴۰۳ به ایستگاه پایانی می رسد و آنچه در یکشنبه گذشته رخ داد و شوک به جامعه جهانی و اروپا وارد کرد مشخص می شود که آیا راست های افراطی موفق خواهند شد اکثریت کرسی های پارلمان فرانسه را در اختیار گیرند و سبب خروج مکرون از کاخ الیزه شوند یا در نیمه راه همچون گذشته دچار تا کامی از ادامه پیروزی می شوند و فرانسوی ها به فراخوان مکرون پاسخ مثبت می دهند با رایشان به احزاب میانه مانع از پیروزی راست افراطی می شوند و مکرون در الیزه خواهد ماند.

بنا بر آنچه ذکر شد در فرانسه راست افراطی به رهبری خانم مارین لوپن با در اختیار گرفتن ۳۴ درصد کرسی های پارلمان در یک قدمی پیروزی قرار دارد. پیروزی راست های افراطی یعنی زلزله در اروپا زیرا ، از یک طرف اتحادیه اروپا یک قدم به فروپاشی نزدیک می شود به این خاطر که ماری لوپن و حزب " اجتماع ملی " نگاه خوب و مثبتی به بقای اتحادیه اروپا ندارند، از طرف دیگر امکان دارد اوکراین و زلنسکی در موضع ضعف شدید قرار گیرند مکرون از حامیان رییس جمهور اوکراین است در مقابلش راست های افراطی به جهت گیری پوپتین بیشتر اظهار تمایل نشان می دهند در کنار آنچه ذکر شد اگر ترامپ در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ به کاخ سفید راه پیدا کند ترامپ با یک سو شدن با راست های افراطی اروپا ، اتحادیه اروپا و ناتو را یا به هوا خواهد فرستاد . و اگر در زمین بماند آنچه که امروز است تفاوت پیدا خواهد کرد و این یعنی تضعیف شدید اروپا در معادلات جهانی .

ادامه درصفحه ۲

خطاهای فاحش اصول‌گرایان که موجب شکست آنان شد

طالع مسعود؛ پیروزی پزشکان



شدند و آن نامهٔ کودکانه را به شورای نگهبان نوشتند. هنوز از آن نامه به شگفتی و خنده می‌افتمیم. از بس که کودکانه بود و سطح نازل سیاسی اعضای ارشد دولت فعلی را نشان داد. ۶. طرح نور و صیانت؛ شانه خالی کردن نامزدهای اصول‌گرا از طرح‌های واپس‌گرایانه‌ای چون نور (علیه زنان) و صیانت (علیه آزادی اینترنت) نشان داد خودشان می‌دانند این کارها زشت و نفرت زاست اما مرتکب می‌شدند. نشان داد پای قدرت که در میان باشد دیگر از شریعت دم نمی‌زنند و گرنه باید با صدای بلند می‌گفتند «حکم شریعت را اجرا می‌کنیم» ولی نگفتند و طالبان از این حیث بر آنان ارجح است. هیچ‌یک هم طرح نور را به گردن گرفت. طبعاً بخشی از زنان و دختران ایرانی که مورد اهانت قرار گرفته و در مرحله اول رأی نداده بودند جمعهٔ بعد که خطر را نزدیک دیدند بولر می‌آیند و بی‌شک یکی از عوامل پیروزی پزشکیان شدند. صریح‌تر: دکتر مسعود پزشکیان را زنان و دختران ایران به ریاست جمهوری رساندند. همان‌ها که به اسم نور مورد اهانت قرار گرفته بودند و پزشکیان هم کل طرح را با نیست دادن به باطوم نفی کرد و گفت: «ما را به سیاهی می‌رساند!»؛ اصول‌گرایی مدعی شریعت اما لام تا کام حرفی نزد!

۷. رادیکالیسم به جای سنت؛ روزگاری اصول‌گرایی و جریان راست با سنت و محافظه‌کاری و روحانیت و بازار نسبت داشت و اکنون پشت سر یک چهرهٔ رادیکال قرار گرفته بود. همین سبب شد علاوه بر دو رقیب سیاسی سال ۱۳۸۶ (خاتمی و ناطق). دو فیلسوف که بارها هم دیگر را نقد کرده‌اند (سروش و داوری) هم متفقاً از پزشکیان حمایت کنند. چون بحث تقابیل «فهم» با «بوم» در میان بود. ۸. رسانه‌های مردمی و بودجه‌دار؛ جنس فعالیت رسانه‌های حامی پزشکیان با حامیان قالیباف و جلیلی کاملاً تفاوت داشت. در آنجا از بالا سامان داده شد و با اتکا به انواع بودجه‌ها و رانت‌ها و پارتی‌ها و این طرف دلی بود و حسی گرفته بود. برخی از آنها شان خود را در حد بوق تبلیغاتی فروخته بودند و مخاطبان دریافته‌اند کدام به کار رسانه‌ای شبیه‌تر است. مهم‌تر این که نتوانستند از قالیباف به جلیلی شیفت و مخاطبان را مجاب کنند. بازه تر از همه وضعیت روزنامه دولت است که از دو سه هفته دیگر باید در وصف پزشکیان بنویسند!

۹. خالص‌سازی شکست خورده؛ سه سال خالص‌سازی

هم ندارد ولی کی گفته این جماعت، انقلابی‌اند و پزشکیان نیست؟ ۳. نسبت‌های دروغ؛ خطای سوم این بود که به دروغ و در انواع آن چنگ زدند و به پزشکیان نسبت‌هایی دادند تا از عبارتی که درباره سردار سلیمانی به کار برده بود. آن قدر دروغ گفتند که حال تهوع به آدم دست می‌داد. ۴. دولت سوم روحانی؛ جوری می‌گفتند «دولت سوم روحانی» که انکار روحانی، نتایه‌پو بوده است. اما همین هم به ضررشان شد. چون پزشکیان وزیر روحانی نبوده و باعث شد نام خاتمی مطرح شود و بگویند دولت سوم خاتمی و در مناظره هم گفت: «مردم! زمان خاتمی وضع شما بهتر بود یا حالا؟» فکر این را نکرده بودند. خاصه آن دو «تابغهٔ» مناظره‌ها!

با این حال نهایت بی‌اخلاقی را در حق رییس جمهوری سابق به کار بردند تا از سه سال دولت مرحوم ریسی بگذرند و گفتفا که هم‌لباسان روحانی در جناح راست این لیحن را در قبال یک معمم تقبیح نکردند و از هم‌لباس دیگرشان هم حمایت نکردند. روزگاری در این مملکت وقتی جلسه سخنرانی مرحوم فلسفی را بر هم زدند صدای همه درآمد و حالا نشنستند و تماشا کردند. در حالی که اتفاقاً دولت اول روحانی موفق بوده هم در تنش‌زدایی و هم در مهار تورم و حکایت دولت دوم کاملاً جاداست. ضمن این که «به عقب برنمی‌گردیم» شعار خود روحانی بود. با تقلید شعار خود او که نمی‌توانی به او فusch بدهی!

۵. سوء تفاهم تشییع جنازه؛ با این که حضور احساسی و عاطفی مردم در مراسم تشییع مرحوم ریسی را به حساب خودشان گذاشتند منتها مشخص نشد کی می‌خواهد راه او را ادامه بدهد؟ چون مدعیان بسیار داشت. یک نفر تمام مدت انتخابات لباس سیاه پوشید تا بگوید سوگوار اوست و تعبیر «شهید ریسی عزیز» با ربط و بی‌ربط از دهان او نمی‌افتاد اما دست آخر جامهٔ سیاه از تن به درآورد و اعلام انصراف کرد!

قبلاً نوشته بودم صندوق، همان تابوت نیست. تشییع را باید با تشییع مقایسه کرد و انتخابات را با انتخابات. رقابت بر سر این که کدام یک ادامه‌دهندهٔ راه رییس جمهور فقید است این را از اثرگذاری انداخت. به یاد آوریم چگونه سه وزیر و دو معاون وزیر جمهوری کاندیدای ریاست جمهوری

مردم را به ستوه آورده بود. اخراج استادان مستقل و به زندان انداختن روزنامه‌نگاران افشاگر با ادعای حمایت از افشاگران و مقابله با گردن‌کلفت‌ها را باورناپذیر ساخته بود. این همان نکته بود که اصول‌گرایی ایرانی از درک آن عاجز بود. آنها حتی به این روش زشت در میزگرد تلویزیونی هم ادامه دادند و کربیب وعده‌های دروغینی چون پارتیه طلایی (اکنون ۲۰ میلیون تومان در سال) و یک میلیارد تومان وام ازدواج قالیباف‌زاده هاشمی را نخواستند و ۲۰۰ متر زمین رایگان باقر قالیباف را هم عملیاتی نداشتند. جایی نوشتم مهدی چمران باید شرم کند که با اعتبار برادر رییس شورای شهر شده و آن را برای آدمی مثل زاکانی هزینه کرده است.

نه که داننام او در زمره حامیان اصلی زاکانی نبوده ولی اکنون و در سن بالای ۸۰ می‌تواند برکناری زاکانی را به خاطر رفتار ایام انتخابات که به اعتبار شهرداری و شورا آسیب رسانده خواستار شود اگر واقعا موافق نیست. روزنامهٔ شهرداری تهران را نگاه کنید. شبیه روزنامهٔ دیواری شده و هر چه توانستند از محل عوارض و شما تبلیغ کردند. این که مردم به وعده‌های طلا و زمین و وام توجه نکردند اوج بلوغ‌شان بود و قابل توجه خارج نشینانی که گمان می‌کنند انقلاب به خاطر وعدهٔ آب و برق رایگان بود در حالی که تا قبل از هدفمندی پارتی‌ها را رایگان فاصله نداشت. خطای مردم راست افراطی همین بود که شعور مردم را دست کم گرفتند.

۱۱. سید محمد خاتمی؛ چه کسی می‌تواند نقش رییس جمهوری پیشین ایران را انکار کند؟ ممنوع‌التصویری او بعد حوادث ۸۸ نه تنها از محبوبیت خاتمی نکاست بلکه او را برای نسل تازه به چهره‌ای افسانه‌ای بدل ساخت و همین باعث اقبال به او شد. این خطا هم در شکست اصول‌گرایی رادیکال نقش داشت. حالا کیهان است و رییس جمهوری که خاتمی او را برکشیده است و باید ببینیم همان سخنان هزار بار گفته را تکرار می‌کند یا نه. اصول‌گرایی ایرانی باید از زیست رانتی بیرون بیاید. شتر سواری دولادلا نمی‌شود. اقتدارگرایی با دموکراسی نمی‌خواند. به عنوان حزب باید فعالیت کنند. تکلیف عنوان «جبههٔ انقلاب» را هم روشن کنند. دو چهره‌ای که می‌خواستند اجماع ایجاد کنند نیز کمی به خودشان استراحت بدهند تا نامی بهتر از خود به ثبت برسانند: فسانه گشت و کهن شد حدیث اسکندر سخن تو آر که تو را حلاوتی است دیگر اصول‌گرایی ایرانی در شکل و شمایل کوفتی بوی "نا" گرفته. همین بو و احساس انزیراس به اضافهٔ هراس از رادیکالیسم موجب پیروزی مسعود پزشکیان شد.